



سربازگیری و خدمت نظام وظیفه اجباری در دوره رضا شاه

الهام ملک زاده

تاریخ معاصر
ایران

سروش روشن ساز
پیرازه

نشر و پژوهش شیرازه

نشر و پژوهش شیرازه

سرشناسه	:	ملک‌زاده، الهام، ۱۳۵۲ -
عنوان و نام پدیدآور	:	سربازگیری و خدمت نظام وظیفه اجباری در دوره رضاشاه/الهام ملک‌زاده.
مشخصات نشر	:	تهران: شیرازه، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	:	۲۵۰ص: عکس، نمونه؛ ۱۴/۵×۲۱ س.م.
فروست	:	تاریخ معاصر ایران.
شابک	:	۹۷۸ - ۹۶۴ - ۶۵۷۸ - ۱۸ - ۰
یادداشت	:	کتابنامه: ص. ۲۱۵-۲۲۸.
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا
موضوع	:	ایران. ارتش -- سربازگیری
موضوع	:	Iran. Artesh -- Recruiting, enlistment, etc
موضوع	:	نظام وظیفه -- ایران -- تاریخ -- اسناد و مدارک
موضوع	:	Draft -- Iran -- History -- Sources
موضوع	:	ایران -- تاریخ -- پهلوی، ۱۳۰۴ - ۱۳۲۰
موضوع	:	Iran -- History -- Pahlavi, 1925 - 1941
رده بندی کنگره	:	UB۳۴۵
رده بندی دیویی	:	۳۵۵/۲۲۴-۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی	:	۸۵۱۹۸۱۴

سربازگیری و خدمت نظام وظیفه اجباری در دوره رضاشاه

مجموعه تاریخ معاصر ایران

دکتر الهام ملک‌زاده

نشر ویرانه

سربازگیری و خدمت نظام وظیفه اجباری در دوره رضاشاه

نویسنده: الهام ملک‌زاده

طراح جلد: سبا ملک‌زاده

تنظیم صفحات: طاهره شامانیان

چاپ اول: ۱۴۰۱

تیراژ: ۳۰۰

بها: ۱۵۰,۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۶۵۷۸ - ۱۸ - ۰

شرکت نشر شیرازه

همه حقوق چاپ و نشر برای نشر شیرازه محفوظ است

تلفن: ۲۲۵۶۰۹۸۳-۲۲۵۴۰۳۱۷

فهرست مطالب

یادداشت ناشر	۵
مقدمه	۹
تاریخچهٔ سربازگیری و شکل‌گیری خدمت نظام	۲۱
درآمد	۲۳
قدرت نظامی - نوسازی قشون در دورهٔ قاجار	۲۵
نظام بُنیچه	۳۰
اقدامات سپهسالار در ایجاد ارتش نوین	۴۹
دوران رضاشاه و اجرای طرح سربازگیری	۶۱
رضاخان سردار سپه و فرماندهی کل قوا	۶۳
جایگاه سربازی در ارتش نوین	۶۸
اجرای قانون نظام وظیفهٔ اجباری	۱۱۳
مخالفت با قانون نظام سربازی اجباری	۱۱۵
واکنش علما و روحانیون در برابر طرح نظام اجباری	۱۲۶
واکنش‌های مردمی در برابر طرح نظام اجباری	۱۳۶
ترانه‌های سربازی	۱۳۹
بازنگری در شیوهٔ اجرای قانون نظام وظیفهٔ اجباری	۱۴۰
- آگاه کردن مردم	۱۴۱

۴ سربازگیری و خدمت نظام وظیفه اجباری در دوره رضاشاه

- ۱۴۲..... - مجلس سربازگیری
- ۱۵۸..... روند انتخاب معتمدان محلی
- ۱۷۱..... مشکلات مجالس سربازگیری
- ۱۷۴..... توجه به آسایش مشمولان و خانواده‌های آنان
- ۱۸۰..... محل مجلس سربازگیری
- ۱۸۴..... معاینه‌های طبی
- ۲۰۷..... کلام آخر
- ۲۱۵..... کتابشناسی
- ۲۱۹..... اسناد
- ۲۲۷..... مرکز اسناد، موزه و کتابخانه مجلس شورای اسلامی
- ۲۲۹..... تصاویر و اسناد

یادداشت ناشر

در آثار منتشرشده موجود، موضوع سربازگیری تنها در چارچوب مباحث مرتبط با دوره پهلوی مورد توجه نویسندگان بوده است و نه منحصر به آن. مطالبی که در این زمینه وجود دارد در قالب مقاله یا بخشی از یک کتاب قابل مطالعه است و در سایر کتاب‌ها به نقل تکراری از همان مباحث بسنده شده است. از آن جمله می‌توان به اثر استفانی کرونین استناد کرد. وی در کتاب «شکل‌گیری ایران نو: دولت و جامعه در دوران رضاشاه» در دامنه بحث «رضاشاه و تناقضات نوسازی در ایران» به موضوع سربازگیری اشاراتی دارد: در راستای تحلیل دلایل شکل‌گیری خدمت نظام و اقدامات رضاشاه، فعالیت هم‌تایان وی را در ترکیه و عراق توضیح داده و اهداف این دولت‌ها را ساخت یک ارتش ملی نیرومند مبتنی بر خدمت سربازی منظم در بنای دولت - ملت دانسته است. آنگاه به مقاطع گوناگون در تاریخ سربازگیری در خلال سلطنت رضاشاه پرداخته و در ادامه از وضعیت معیشتی سربازان وظیفه به اختصار سخن گفته است. (کرونین، استفانی، رضاشاه و شکل‌گیری ایران نوین، جامی، ۱۳۹۶: ۷۳-۷۴).

اثر دیگر استفانی کرونین با عنوان: «اصلاحات از بالا، مقاومت از

پایین: مخالفان نظم نوین در ایران (۱۹۲۷-۱۹۲۹)» نیز ضمن بررسی جریان مدرن سازی در ایران به بررسی رابطه مردم، دولت و مخالفت های صورت گرفته در این رابطه، به اعتراض هایی که در شهرهای مختلف نسبت به قانون نظام وظیفه اجباری انجام گرفته، پرداخته است. مطالب کرونین در هر سه مقاله از حدود چند سطر تجاوز نمی کند و به اجمال و ایجاز سخن گفته است.

جهانگیر قائم مقامی در «ورقی از تاریخ ارتش ایران: تاریخچه سربازگیری در ایران» روایت مفصل تری از سربازگیری ارائه داده که در مجله بررسی های تاریخی در سال ۱۳۴۶ به چاپ رسیده است. وی ضمن اشاره به پیشینه های سربازگیری در تاریخ ایران به ویژه دوره قاجار و تشریح نظام بنیچه به ذکر جریان سربازگیری در دوران رضاشاه و لوايح و قوانین مربوط به آن پرداخته است. قائم مقامی همچنین متن قانون سربازگیری را نیز در مقاله خود درج کرده است.

تفاوت و وجه ممتاز کتاب حاضر، جامعیت، اختصاص موضوع به صورت کلان به بحث سربازگیری و وجوه مترتب بر آن بوده، ضمن اینکه در مقایسه با سایر آثار مشابه، مسئله محوری، دغدغه مندی و بررسی تحلیلی مباحث با اتکای به اسناد منتشر نشده آرشیوی که در آثار قبلی هیچ نمودی نداشته، در این کتاب به طور جدی دنبال شده است. بالطبع این پژوهش مستند، روند اقدامات انجام یافته را به تفصیل مورد بررسی قرار داده و با ذکر جزئیات از نخستین تصمیمات حکومتی در خصوص تصویب قانون سربازگیری تا روند عملیاتی شدن آن در وجوه مختلف احضار مشمولان، مجالس سربازگیری، تقسیم بندی سربازان، استقرار و

طبقه بندی رسته‌های مختلف سربازی، نحوه آموزش، چگونگی گذران امور مربوط به خوراک و پوشاک سربازان و ... را شامل می‌شود.

کتاب «سربازگیری و خدمت نظام وظیفه اجباری در دوره رضاشاه» ضمن بهره‌مندی از مستندات انتشار نیافته مذکور، با بررسی و بهره‌گیری از منابع متعدد کوشیده از داده‌های کتابخانه‌ای و تاریخ شفاهی، در تکمیل مباحث و در راستای پاسخ‌گویی به ابهامات موجود استفاده کند، یا مآلاً در بررسی دلایل و ریشه‌های مخالفت جامعه با خدمت نظام وظیفه به یافته‌های موثق و بی‌بدیلی دست یابد.

مباحث این کتاب، به شناخت زوایای اثرگذار اجتماعی تاریخ نوین نظامی در ایران، پیامدهای آن در تاریخ اجتماعی و سیاسی معاصر و بررسی دلایل فرار مشمولین سربازی در بازه مورد مطالعه همراه با شناسایی عوامل تاریخی یکی از معضلات و چالش‌های اصلی واقعیت مذکور یاری می‌رساند. با این ملاحظه که مبحث مورد مطالعه به‌عنوان فصلی غیرقابل حذف از حیات اجتماعی مردان در ایران از ابتدای اجرای قانون سربازی تاکنون وجود داشته‌است.

امید است پژوهش حاضر منبعی قابل استناد و مفید در دسترس مخاطبین و محققان و دانشجویان تاریخ معاصر و تاریخ اجتماعی ایران، پژوهشگران مرکز تحقیقات کاربردی نیروی انتظامی و دیگر مخاطبین علاقمند قرار گیرد.

مقدمه

با کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹، و به قدرت رسیدن رضاخان^۱ و تحکیم پایه‌های حکومت او در مقام پادشاه، ایران وارد دوره‌ی پی‌ریزی نظامی نو شد که در آن رضاخان، همکاران و همگامانش موفق شدند برنامه‌های اصلاحی خود را در زمینه‌ی امور اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی به انجام رسانند. تأسیس ارتشی نوین از اولین و مهم‌ترین این اصلاحات بود؛ هرچند رضاخان با تکیه بر قشون باقی‌مانده از دوره‌ی قاجاریه توانست ناآرامی‌ها را در سراسر کشور فرونشاند و اوضاع آشفته و نابسامان کشور را سامان بخشد، اما او و همکارانش دریافته بودند استقلال و نوسازی کشور، فقط در صورتی تحقق می‌یابد که با تکیه بر ارتشی جدید و کارآمد، اوضاع کشور، منظم و قانونمند شود و پایه‌های آن استوار و محکم گردد. تأسیس ارتشی نوین و به هم ریختن نظام پیشین طی سال‌های ۱۳۰۰-۱۳۲۰، منجر به دگرگون شدن آمرانه‌ی فضای سستی جامعه در ایران گردید و نهادهای تازه‌ای بنیان نهاده شد و حتی برای دستیابی به یکپارچگی بیشتر ملی، اقدامات خشنی مانند جابجایی

۱. در متن هرگاه به وقایع و اقدامات مربوط به سال‌های پیش از ۱۳۰۴ اشاره می‌شود از رضاخان و هر آنچه به سال‌های پس از سلطنت وی مربوط می‌شود از رضاشاه نام برده شده‌است.

عشایر و وادار کردن آنان به یکجانشینی پیگیری شد و فرهنگ و آمریت به هم آمیخت. در این میان آنچه از اهمیت خاصی برخوردار است، دگرگونی‌های همه‌جانبه در ارتشی بود که پایه‌های آن در سال‌های ۱۳۰۰-۱۳۰۴، بنا نهاده شد و به تدریج در سال‌های حکومت رضاشاه، به بارنشست. از جمله مهم‌ترین تغییراتی که کمتر مورد توجه قرار گرفته است، دگرگون شدن شیوه و چگونگی سربازگیری بود و اجرای قانون نظام وظیفه عمومی که در جلسه شانزدهم خرداد ۱۳۰۴، به تصویب مجلس شورای ملی رسید. توجه رضاشاه و همکارانش به نظام وظیفه عمومی به جز تربیت و تدارک نیروهای رزمی غیر ثابت، بیشتر معطوف به تعلیم و تربیت عمومی بود. نوبخت، نویسنده سرمقاله شماره اول سال چهارم مجله قشون، پس از تعریف لغوی و اصطلاحی واژه «نظام» به صراحت و روشنی نوشت: «در میان تمام وسایل و لوازمی که شایسته نظام و قوای یک مملکت است، یک چیز برجسته و درخشان، نمایان است که عبارت از روح و اخلاق می‌باشد. اخلاق و خوی سپاهی‌گری و ملکات اقدام، عمل، جرأت و جسارت، خودشناسی و حب وطن و حب وطن و حب وطن» (نوبخت، ۱۳۰۴: ۳).

نوبخت در همان شماره و در مقاله‌ای دیگر، توضیح داد: «مقصود او و بیان شماری از بایدها و نبایدهای اخلاقی مخصوص نظامیان نیست، که بر آن است فصل تازه‌ای «در علم اخلاق سپاهی‌گری یعنی سربازی و اخلاق نظامی» بگشاید که همه آحاد ملت را در برگیرد و همگان بدان متصف شوند تا بتوانند «در جنگ و جدال زندگانی و در برابر تقدم و پیشرفت حیاتی و ارتقا و تکمیل ملی پایدار بمانند». نوبخت تأکید کرد:

«سربازی و سپاهی‌گری از واجبات اخلاقی و ملکاتی است که هر ملت علاقمند به پیشرفت و ارتقای مادی و معنوی باید به آن چنگ زند تا روح عظمت و بزرگواری و حس تقدم و ترقی در اعماق وجود او جای گیرد و خود را بشناسد و حق خود را که عبارت از وطن است، نگاه دارد و در برابر دشمن، سخت و محکم و زبر و زمخت باشد و برای وطن و اهل وطن رام و نرم و دوستدار محسوب گردد و در موقع هجوم دشمن هر فردی از افراد یک مملکت سرباز و متخلق به اخلاق تکاملی و پایداری شمرده شود. به بیان دیگر سپاهی‌گری و سربازی یک معنی عمومی است که شامل بر یک رشته ملکات اخلاقی است و آنها عبارتند از: خودشناسی، خودبینی، خودداری، خودمختاری، فداکاری، پایداری و دلاوری که تمام این ملکات بزرگ، فلسفه تقدم و پیشرفت را تشکیل داده و همین است معنی زندگی و قانون ...» (همان: ۱۱-۱۰).

در حقیقت رضاشاه و همکارانش که در پی دگرگون کردن ساختارهای فرهنگی و اجتماعی ایران بودند و می‌کوشیدند جامعه را به نوخواهی و نوگرایی سوق دهند و پندار و گفتار و کردار عمومی را تغییر دهند، افزون بر بهره‌گیری از ابزار و وسایل مختلفی مانند مطبوعات و بنیان نهادن سازمان‌ها و نهادهای تازه، به تأسیس و راه‌اندازی مؤسسه‌ و عظم و خطابه و سازمان پرورش افکار نیز همت گماشتند. به نظام‌وظیفه عمومی نیز به مثابه یکی از همین کانون‌های فرهنگی می‌نگریستند که در عرض آنها قرار داشت و از طریق آن می‌توانستند کار آموزش و تربیت جوانان شهری به‌ویژه جوانان روستایی و عشایری را به انجام رسانند. در عمل نیز حکومت رضاشاه با اجرای قانون نظام‌وظیفه عمومی به این هدف دست یافت و

رفته‌رفته افرادی را تربیت کرد که بنا بر آنچه تا پیروزی انقلاب اسلامی در افواه شایع بود، بر اثر خدمت سربازی «مرد» شده بودند و آماده برای زندگی اجتماعی. تلقی اغلب خانواده‌های ایرانی از خدمت سربازی نیز این بود که دوران دو ساله سربازی، سال‌های نوجوانی و عفتوان شباب را به دوران بزرگسالی و پختگی وصل می‌کرد و از این رو پایان سربازی، آغاز فراهم‌شدن امکان ازدواج و گرفتن جواز ورود به بازار کسب و کار یا اشتغال در ادارات دولتی بود که خود امتیاز ویژه‌ای به حساب می‌آمد و دستیابی به آن فقط با به انجام رساندن خدمت سربازی میسر می‌شد.

از سوی دیگر با اینکه خدمت سربازی بنا بر الزامات و اقتضائات روزگار خودکامگی رضاشاه، ویژگی‌های خاص خود را داشت به نظر می‌رسد به دلایلی چند از جمله آشنایی فرزندان ایرانی با یافته‌های تازه علوم اجتماعی به ویژه روانشناسی و جامعه‌شناسی، شماری از همین فرزندان آشنا با دانش‌های جدید به «آسیب شناسی فرهنگی- اجتماعی خدمت نظام وظیفه»^۱ توجه، و نظرفرمانده‌های نظامی را به آن جلب، و تا آن‌جا که ممکن بود در مطبوعات آن سال‌ها منعکس کردند. چنان‌که غلامحسین مقتدر در شماره‌ای از شماره‌های سال سوم مجله قشون درباره وضع روحی سربازان تازه وارد به پادگان‌ها نوشت: «سرباز جدید که به شدت و عنف، شهر و طایفه و شغل عادی خود را ترک و به یک محیط تازه وارد و با قیافه‌های ناشناس مواجه شده‌است، با این وضعیت

۱. این عبارت عیناً از عنوان مقاله «آسیب شناسی فرهنگی- اجتماعی خدمت نظام وظیفه» در ایران پس از انقلاب اسلامی گرفته شده‌است. این مقاله را دفتر مطالعات معاونت پژوهشی مرکز پژوهش‌های علمی مجلس شورای اسلامی تهیه کرده‌است.

و احکام و مقررات بیشماری که زندگانی آزاد او را مقید و تابع خود ساخته‌اند به کلی وحشت زده و ناراحت بوده و هیچ نمی‌داند که چه بایدش کرد. با این حالت روحی از اولین تأثیرات در ضمیر او یک اثرات مخو ناشدنی باقی خواهد ماند که بعدها قسمت مهم موفقیت یا عدم موفقیت رؤسا در تربیت او موکول به همان اثرات اولیه خوب یا بد خواهد بود. نظر به این که از علایق و محبت‌های عائله و کسان خویش یکباره محروم مانده، قلب نظامی جدید برای پذیرفتن هر عاطفه و تمایل که نسبت به او ابراز شود، حاضر و مهیاست. لذا بر صاحب‌منصب است که از این حالت روحی مشارالیه استفاده و به وسیله جلب محبت، او را به راه راست وادارد، پس باید کمال مواظبت را به عمل آورد که از طرف همه با سرباز جدید با رأفت و مهربانی معامله و از هرگونه تحمیلاتی نسبت به او جلوگیری شود» (مقتدر، ۱۳۰۳: ۶۷۳-۶۷۴ به نقل از علیزاده، ۱۳۹۸: ۹۲).

مقتدر در این مقاله به فرماندهان نظامی پادگان‌ها توصیه کرد چنان‌چه از سرباز جدید به دلیل خستگی یا محجوبیت، حرکاتی سرزد، نباید بروز این حرکات را به تنبلی یا عدم رغبت او نسبت داد. مقتدر همچنین تأکید کرد سربازانی که در بخش‌های مختلف سربازخانه به کار گمارده می‌شوند، باید دارای پایگاه طبقاتی و خصوصیات مشترک باشند. شناخت ویژگی‌های هریک از طبقات برای صاحب‌منصب بسیار مفید است، زیرا بر اساس این شناخت می‌تواند اصول فرماندهی خویش را تنظیم کند. غلامحسین مقتدر توجه فرماندهان را به این نکته نیز جلب کرد که نظامی جدید اگر از دهاتین باشد، البته تعلیمات نظامی او از شهری بطئی‌تر خواهد بود، ولی از طرف دیگر دهقان مطیع‌تر و بیشتر مستعد قبول نفوذ

روحی رئیس مافوق می‌باشد، در صورتی که عموماً وقتی فکری در کله شهری جایگزین می‌شود که جزئیات آن را برای او شرح داده باشند و بدین واسطه، تربیت روحی شهری بیشتر مهارت و درایت و دقت لازم خواهد داشت. (همان: همان جا). جالب آن‌که شماری از همان فرماندهان نظامی ارشد که خود درگیر فرونشاندن آشوب‌ها و سرکوب مخالفان و داعیه‌داران عصر بودند، با واقع بینی به علل بعضی نابسامانی‌ها و آشفتگی‌ها پی بردند و راه رستگاری را در تعمیم و توسعه سوادآموزی و تعلیم و تربیت جدید یافتند و خود پیشگام مدرسه سازی و گسترش آموزش و پرورش در مناطق بحران‌خیز کشور شدند و به همین ترتیب به نقش تربیتی نظام وظیفه عمومی توجه کردند. حداقل به لحاظ نظری به اجرای درست قانون نظام وظیفه روی آوردند. با این حال از آسیب‌هایی مانند بزهکاری یا رواج ناهنجاری‌های اخلاقی در پادگان‌ها و تأثیر آن‌چه سروان خسرو روزبه «اطاعت کورکورانه»^۱ اش خواند بر سربازان وظیفه که بنا بر اقتضای دوران جوانی و ویژگی‌های روحی و روانی میل به آزادی و آزادگی دارند، آگاهی صحیحی در دست نیست. همچنین مشخص نیست هریک از سه گروه سربازان شهری، روستایی و عشایری از چه منظر و دیدگاهی به خدمت سربازی می‌نگریستند و رأی و نظرشان چه بود؟ بازمانده‌ای از این ایام نیز یافته نشد که بتوان در صحبت با وی به مجهولاتی از این دست پی برد. جز آنکه از میان انبوه

۱. خسرو روزبه، افسر توپخانه و استاد دانشکده افسری، از رهبران سازمان افسران حزب توده که چندبار دستگیر شد و سرانجام پس از دستگیری در سال ۱۳۳۶، در ۲۱ اردیبهشت ۱۳۳۷، به حکم دادگاه نظامی اعدام شد. از وی آثار متعددی از جمله «اطاعت کورکورانه» باقی مانده است.

استناد مربوط به خدمت نظام وظیفه در سال‌های ۱۳۰۰-۱۳۲۰، می‌توان چنین برداشت کرد که به تدریج و از پائیز ۱۳۰۷ به بعد بیشتر جوانان مشمول، پذیرفته بودند که به انجام رساندن خدمت سربازی مرحله‌ای از مراحل زندگی است که آن را باید با رضایت و خوشی به پایان رساند.

از آنجا که منابع و مآخذ مربوط به خدمت سربازی و موضوعات مربوط به آن در عصر حکومت رضاشاه، اندک و بسیار محدود هستند، آنچه در دست است، همه درباره چگونگی سربازگیری و قوانین آن در سال‌های ۱۳۰۰-۱۳۰۵ است که اغلب در مجله قشون منتشر شده است. ضمن این که تحقیقات و مطالعات جدید در این خصوص با فقر اطلاعات مواجه است و آنچه موجود است علاوه بر موز بودن، تکرار مطالبی است که تنها مقاطع کوتاهی از روند وقایع مرتبط با سربازگیری را در این دوره شامل می‌شود. از آن جمله می‌توان به آثار و تحقیقات زیر اشاره کرد:

- جهانگیر قائم‌مقامی در ورق‌های از تاریخ ارتش ایران: تاریخچه سربازگیری در ایران، روایتی نسبتاً مفصل از سربازگیری ارائه داده که در مجله بررسی‌های تاریخی در سال ۱۳۴۶ به چاپ رسیده است. وی ضمن اشاره به پیشینه‌های سربازگیری در تاریخ ایران به ویژه دوره قاجار و تشریح نظام بُنیچه به ذکر جریان سربازگیری در دوران رضاشاه و لوايح و قوانین مربوط به آن پرداخته است.

- استفانی کرونین^۱ در کتاب خویش با عنوان شکل‌گیری ایران نو: دولت و جامعه در دوران رضا شاه، ذیل مبحث رضاشاه و تناقضات

نوسازی در ایران، به بحث سربازگیری اشاراتی دارد. وی برای تحلیل دلایل شکل‌گیری خدمت نظام و اقدامات رضاشاه در این راستا به اقدامات همتایان وی در ترکیه و عراق اشاره کرده و اهداف این دولت‌ها را ساخت یک ارتش ملی نیرومند مبتنی بر خدمت سربازی منظم در بنای دولت-ملت دانسته است. وی آن‌گاه به مقاطع گوناگون در تاریخ سربازگیری و در خلال سلطنت رضاشاه پرداخته، در ادامه از وضعیت معیشتی سربازان وظیفه به اختصار سخن گفته است. نوشتار کرونین در این کتاب درباره نحوه سربازگیری و مسائل مربوط به آن در سال‌های ۱۳۰۶-۱۳۲۰ خاموش است و جز ارائه آمارها و آگاهی‌های پراکنده‌ای درباره سربازان در سال ۱۳۱۰، مطلب دیگری در بر ندارد. (کرونین، ۱۳۹۶: ۷۳-۷۴).

-کرونین در مقاله دیگری که در کتاب تجددآمرانه، تحت عنوان ارتش، جامعه مدنی و دولت در ایران ۱۳۰۰-۱۳۰۵ نوشته، ضمن اشاره به ویژگی‌های دیکتاتوری نظامی رضاشاه به مشکلات فزاینده سربازان در عدم دریافت حقوق و جیره پرداخته است. (اتابکی، ۱۳۹۰: ۱۶۷).

- همچنین اثر دیگر استفانی کرونین با عنوان: اصلاحات از بالا، مقاومت از پایین: مخالفان نظم نوین در ایران (۱۹۲۷-۱۹۲۹)، ذیل بررسی جریان مدرن‌سازی در ایران به بررسی رابطه مردم، دولت و مخالفت‌های صورت گرفته در این رابطه به اعتراض‌هایی که در شهرهای مختلف نسبت به قانون نظام وظیفه اجباری انجام گرفته، پرداخته است. مطالب کرونین در هر سه مقاله از حدود چند سطر تجاوز نمی‌کند و به اجمال و ایجاز سخن گفته است.

-داریوش رحمانیان در کتاب ایران بین دو کودتا، در چند سطر

اشاره‌ای به شکل‌گیری دایرهٔ سربازگیری و احضار مشمولین خدمت نظام داشته است. وی در شش سطر مطلبی که به این موضوع اختصاص داده، صرفاً گزارش مختصری از تبدیل دایرهٔ سربازگیری به ادارهٔ نظام وظیفه و اقدامات آن اداره ارائه داده است. (رحمانیان، ۱۳۹۱: ۱۰۶-۱۰۷).

- زهرا علیزاده، سمیه حمیدی و فاطمه رضایی مؤلفان کتاب تاریخچه سربازگیری در ایران، با تکیه بر اسناد و عریضه‌های مردمی در خراسان؛ با خوانش تحلیلی اسناد سربازگیری در خراسان گوشه‌هایی از موضوع خدمت نظام وظیفه در ایران را مبتنی بر همان نوشته‌های جهانگیر قائم‌مقامی و نسخه‌ای خطی در خصوص سربازگیری، به اختصار به این موضوع پرداخته‌اند. دو پیوست این کتاب، مهم و درخور توجه است. در پیوست اول، زیرعنوان «بازتاب خدمت نظام وظیفهٔ اجباری در صورت مذاکرات مجلس شورای ملی» اصلاحات و الحاقات مربوط به قانون نظام وظیفه گردآوری شده و در پیوست دوم چند سند دربارهٔ سربازگیری در خراسان بازنویسی شده است.

علاوه بر کتب، برخی مقالات نیز در این خصوص مطالبی دارند که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- برقراری نظام سربازگیری در اصفهان دورهٔ پهلوی اول، سید مسعود سید بنکدار: موضوع این مقاله کوتاه پنج صفحه‌ای، چگونگی اجرای قانون نظام وظیفه و واکنش منفی تعدادی از علمای اصفهان به سردمداری حاج آقا نورالله است که به لحاظ اسنادی که در این باره به آنها استناد شده است، می‌توان از آن استفاده کرد.

- نظام اجباری، نوشتهٔ یحیی آریابخشایش: به واکنش منفی و

مخالفت‌آمیز شماری از مردم شهرهای اصفهان، شیراز، اراک، کاشان و همدان با اجرای قانون مصوب شانزدهم خرداد ۱۳۰۴ در سال ۱۳۰۶ پرداخته است. نویسنده با تکیه بر چند سند تلاش کرده نحوه اجرای قانون نظام اجباری و بازتاب آن را در میان مردم نشان دهد.

- بازتاب سربازگیری و نظام سربازگیری در میان اقشار مختلف، نوشته فاطمه هاشمی: با استفاده از شانزده سند، مخالفت تعدادی از روستائیان و عشایر را با اجرای قانون نظام اجباری طرح کرده است. این اسناد صرفاً مربوط به سال‌های ۱۳۰۳ تا ۱۳۰۷ هستند.

- آسیب‌شناسی فرهنگی - اجتماعی خدمت نظام وظیفه در ایران: مقاله‌ای در بیست و پنج صفحه که توسط معاونت پژوهشی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی با نگاهی منفی به خدمت سربازی در دوران پهلوی تدوین شده است. در این کتاب، آسیب‌شناسی فرهنگی - اجتماعی خدمت نظام وظیفه در ایران پس از انقلاب شرح شده است.

دسته‌ای دیگر از آثار ضمن اشاره به گونه‌های مختلف نظامی‌گری در ملل مختلف، به سیر تحول سربازگیری در ایران پرداخته و با تأکید بر نهاد سازی نظامی در دوره پهلوی، خدمت سربازی را مورد بررسی قرار داده‌اند. نمونه این گونه نوشته‌ها، مقاله‌ای است با عنوان: شکل‌گیری نظام وظیفه در ایران و طرح ملت‌سازی در دوره پهلوی اول. این مقاله در سال ۱۳۹۲ در مجله جامعه‌شناسی تاریخی به چاپ رسیده است. در سایر آثار مربوط به تاریخ پهلوی اول هم نویسندگان، سطوری را به این موضوع اختصاص داده‌اند.

در همایش ملی سربازی (رویکردها، کارکردها، افق‌ها)، در سال

۱۳۹۲ نیز مقالاتی با عنوان‌های: پیشینه و تاریخچه سربازی در ایران و جهان، مروری بر تاریخچه سربازی در ایران از دوران هخامنشی تا جمهوری اسلامی با نگاهی گذرا به وضعیت سربازگیری در حدود ۲۰۰ کشور جهان، سربازی در دوره معاصر و چشم‌اندازهای پیش رو برای آینده کشور، سیر تحولات خدمت سربازی در جهان و ایران و ضرورت وجود آن، بررسی پیشینه تاریخچه و وضعیت خدمت سربازی در ایران و جهان؛ ارائه گردید که علاوه بر فقدان روشمندی تحقیقات علمی، صرفاً از مطالب موجود در سایت‌های اینترنتی جمع‌آوری و ارائه شده‌اند.

نکته مهم در خصوص تحقیقات و پژوهش‌هایی که درباره قشون متحدالشکل و ارتش نوین ایران و اجزا و زیر مجموعه‌های آن، چه در دوران حکومت پهلوی و چه در سه دهه اخیر پس از انقلاب اسلامی، چاپ و منتشر شده‌اند، این است که اغلب این آثار فقط به تاریخچه سربازگیری اشاره‌هایی داشته و مطالبی ذکر کرده‌اند. اما اشکال اساسی همه این منابع و مآخذ، به لحاظ بیان تاریخچه سربازگیری در این است که بیشتر مطالب آنها، درباره نظام بُنیچه است و آنچه مربوط به چگونگی سربازگیری در ارتش نوین است، چنان که پیشتر اشاره شد، فقط سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۵، را در برمی‌گیرد و با اجرای قانون خدمت نظام اجباری در پائیز ۱۳۰۵ که در شانزدهم خرداد ۱۳۰۴، به تصویب مجلس شورای ملی رسید، پایان می‌گیرد. مقالاتی هم که در سال‌های اخیر و براساس اسناد، منتشر شده‌اند، از سال ۱۳۰۷ فراتر نرفته‌اند، این در حالی است که به جز مطالب پراکنده منتشر شده، بیشترین آگاهی‌های مربوط به سربازگیری در ایران، در راستای اسناد آرشیوی قابل جستجو و مطالعه است

که حجم قابل توجهی از پژوهش کنونی، بر اساس همین اسناد و مدارک، تهیه و تألیف شده است. اسنادی که در سازمان اسناد ملی ایران و مرکز اسناد، موزه و کتابخانه مجلس شورای اسلامی، دستمایه اصلی این پژوهش شده اند. بدین ترتیب برای نخستین بار و با تکیه بر اسناد در این پژوهش تلاش شده است تا آنجا که امکان داشته و سندها اجازه داده اند، علاوه بر بازنگری بر آنچه که در خصوص تاریخچه سربازگیری در ایران وجود داشته، خلاء مطالعاتی مربوط به سربازگیری طی سالهای ۱۳۰۶ تا ۱۳۲۰ را پوشش داده، موضوعهای مرتبط را هم مورد بررسی قرار دهد. مطالبی که از منابع و آثار معدود بازمانده آن زمان مانند مجله قشون مورد استفاده قرار گرفته اند نیز تعمداً با ذکر اصل مطالب، علاوه بر انعکاس اطلاعات مذکور، ادبیات بازمانده از آن روزگار نیز ثبت و ضبط گردد. از این رو بسیاری از ارجاعات، بدون تلخیص یا دست بردن در متن، عیناً ذکر شده اند.

در پایان لازم می دانم مراتب قدردانی خود را از کارکنان محترم اتاق تحقیق سازمان اسناد ملی ایران که با همدلی و همکاری های همیشگی خود در دستیابی به مستندات ضروری پژوهش، فرصت مغتنمی را به وجود آورده اند. همچنین زحمات برادرانه آقایان محمود طاهراحمدی در به بار رسیدن این پژوهش ابراز می دارم. اهتمام سرکار خانم زیبا جلالی نائینی و انتشارات وزین نشر و پژوهش شیرازه در چاپ این پژوهش مورد امتنان و سپاس خالصانه اینجانب است. برای همه دوستان و سرورانی که هریک به طریقی در این مسیر یاری رسان و همراه بوده اند، آرزوی تندرستی، سربلندی و توفیق روزافزون دارم.

دکتر الهام ملک زاده

تایستان ۱۴۰۰

تاریخچه سربازگیری و شکل گیری خدمت نظام

درآمد

انسان از آغاز پیدایش خود در زمین، همواره درگیر مبارزه با طبیعت و ممنوعان خود بوده است. جنگ‌های بشر نخستین بیشتر بر سر خوراک و دستیابی به دیگر خواسته‌های ضروری ساده و ابتدائی بود. با شکل‌گیری اجتماع‌های ساده بشری، هرچه تراحم و تنازع یا رقابت‌های گوناگون افزایش می‌یافت، جنگ‌ها نیز به طور طبیعی معطوف به نبردهای اجتماعی و اختراع و تهیه جنگ‌افزارهای بهتر و کشنده‌تر می‌شد و توجه به جمع‌آوری نیروی جنگی روز به روز افزایش می‌یافت.

به گفته آنتونی گیدنز، در جوامع شکار و گردآوری خوراک و فرهنگ‌های کشاورزی کوچک و محدود، تعداد جنگجویان کارا و متخصص، اگر هم وجود داشتند، اندک بود. چنان‌چه کشمکش‌هایی با گروه‌های رقیب روی می‌داد، برخی یا همه مردان بزرگسالی که توان نبرد داشتند، فرا خوانده می‌شدند. سخن گفتن از جنگ در میان این‌گونه اقوام گمراه‌کننده است، زیرا نبردهای طولانی وجود نداشت یا نادر بود. هر فرد به طور عادی درگیر تولید روز به روز خوراک بود و معمولاً امکان

ذخیره آن به مقدار زیاد میسر نبود و در عمل نیز تهیه و تدارک دسته‌هایی از مردان آزاد که به نبرد طولانی بپردازند، ممکن نمی‌شد. اساساً ستیزه‌های قهرآمیز میان جوامع کوچک با ستیزه‌هایی که جوامع بزرگ را درگیر خود می‌سازند، تفاوت دارند. جوامع کوچک هیچ‌گونه ارتشی نداشتند و تقریباً فاقد تکنولوژی جنگ بودند و از داشتن جنگ افزارهای متنوع محروم. از این رو شاید کمتر تمایلی به چیرگی بر جوامع دیگر و به زیر کشیدن آنها داشتند. دست زدن به جنگ‌های غالباً طولانی و بسیار خونین، یکی از بارزترین ویژگی‌های تکامل اولیه دولت‌هاست. دولت‌های نستی بزرگ، امپراتوری‌هایی بودند که معمولاً از طریق غلبه نظامی و تحت انقیاد درآوردن گروه‌های کمتر قدرتمند بنا می‌شدند. در دولت‌های نستی، لشکریان ثابت، یعنی گروه‌هایی از مردان که سرباز حرفه‌ای تمام وقت بودند، وجود داشت (گیدنز، ۱۳۷۶: ۳۶۶).

اما در ایران، ارتش از دیرباز از دو دسته سپاهی تشکیل می‌شد:

۱. سپاهیان ثابت که داوطلب و همواره حاضر به خدمت بودند.

۲. سپاهیان موقت که فقط به هنگام ضرورت گرد می‌آمدند.

پادشاهان هخامنشی، اشکانی و ساسانی پیوسته سپاهیان ملتزم رکاب و نیروهای آماده برای پیکار در مراکز ساتراپ‌نشین داشتند. هرگاه جنگی رخ می‌داد، ساتراپ‌های شاهنشاه و حاکمان ولایات، بخشی از سپاهیان ثابت و عده‌ای از مردان جنگجوی روستاهای قلمرو حکمرانی خویش را به رکاب شاهنشاه می‌فرستادند. سپاهیان موقت تا پایان جنگ در خدمت مانده و پس از آن به خانه‌های خویش باز می‌گشتند (قائم‌مقامی، ش ۲، س ۲: ۱-۲).

از نام این سپاهیان موقت در دوران پیش از اسلام آگاهی نداریم، اما

در دوران پس از اسلام به آنان حشر روستایی و به اختصار حشر می‌گفتند (قائم‌مقامی، همان: ۲)؛ که در لغت به معنی دسته و گروه و قشون غیرمنظم و چریک آمده است (معین، ۱۳۷۱: ۱۳۵۷).

با به قدرت رسیدن آقامحمد خان و استیلای قاجاریه تا سال‌های میانی سلطنت ناصرالدین شاه، سپاهیان ثابتی را که ملتزم رکاب پادشاه یا ولیعهد بودند، قشون پارکابی و گروهی را که حاکمان ولایات در اختیار داشتند و به هنگام نیاز به خدمت در رکاب شاه می‌فرستادند، ولایتی می‌نامیدند (قائم‌مقامی، همان: ۳/ علی بابابی، ۱۳۸۲: ۱۹۰-۱۹۲). این نام‌ها و اصطلاح‌ها گویا ثابت نبود و در همه جا به صورت یکسان به کار نمی‌رفت. چنان‌که در دوره‌ای از عصر ناصری به سپاهیان ولایتی که به خدمت در رکاب شاه گسیل می‌شدند، حاضر رکاب می‌گفتند (طاهر احمدی، ۱۳۷۰: ۴۸، تلگراف ۱۴۴).

قدرت نظامی - نوسازی قشون در دوره قاجار

آقامحمد خان در نخستین سال فرمانروایی خود به تشکیل قشونی بر اساس اصول جدید دانش نظامی، مبادرت ورزید و در سال ۱۱۹۴ق، اردوگاه بزرگی در قزوین برپا کرد و شانزده افسر از اهالی قره‌باغ و نخجوان را که از ارتش روسیه بیرون آمده و به ایران مهاجرت کرده بودند، به خدمت گماشت. قشون جدید پس از فعالیت‌های نظامی موفق در گرجستان، رو به ترقی نهاد و اصول نوین نظامی در آن رسمیت یافت و برای نخستین بار، واحد بزرگی به نام تومان تشکیل شد. این واحد، پنج هنگ پیاده و چهار فوج سواره و یک فوج توپخانه و یک دسته نقلیه

و یک و نیم دسته حفار را در بر می گرفت که در تهران مستقر شده بود. به جز این واحد، دسته های نظامی ایلات و سوارهای مزدور، بخش های دیگر ارتش ایران بودند که در ایالات مختلف به صورت پراکنده به سر می بردند (قوزانلو، ۱۳۱۵: ۶۸۰-۶۸۳).

پس از آن فتحعلیشاه با به کارگیری قشون منظمی که آقامحمدخان به جای گذاشته بود، توانست بر مدعیان خود پیروز شود و آشوب های داخلی را فرو نشاند. فتحعلیشاه در نخستین تنسيق نظامی و سر و سامان دادن به قشون در سال ۱۲۱۸ق، واحد نظامی جدیدی به ارتش ایران اضافه نکرد و فقط موفق شد اصول سربازگیری را تا حد امکان بر پایه محکمی قرار دهد. در فرمانی که بدین منظور صادر کرد، مقرر نمود: به همه سربازان دائمی فوج های مختلف در هنگام صلح، مزد و اجرت بدهند و به گاه سفر جنگی که همه ایرانیان واجد شرایط می بایست در آن شرکت می کردند، مواجبی داده نشود. این فرمان به سبب ظهور ناآرامی های داخلی به طور کامل به اجرا درنیامد و نیمه تمام ماند. پس از آن عباس میرزا بر آن شد تا به کمک چند مستشار نظامی اروپایی تنسیقات و سامان دهی قشون را به انجام رساند که برافروخته شدن آتش جنگ ایران و روسیه، طرح و نقشه او را به هم زد (قوزانلو، همان: ۶۸۴). در همان اوان، ناپلئون در پی تمهیداتی که از پیش فراهم شده بود، آجودان مخصوص خود رومیو^۱، را به ایران فرستاد. مأموریت رومیو که در رجب ۱۲۲۰ق/ اکتبر ۱۸۵۰م، وارد تهران شد، مطالعه احوال و اوضاع

جغرافیایی ایران بود. پس از آن ژوبر^۱، مترجم و منشی دربار ناپلئون در ربیع الثانی ۱۲۲۱ق/ ژوئن ۱۸۰۶م، در سلطانیه به فتحعلیشاه پیوست و با او عازم تهران شد و اندکی بعد با نامه‌های شاه به ناپلئون به فرانسه رفت. پس از آن ناپلئون سه افسر مهندس را به ایران گسیل کرد که یکی از آنان به نام بن‌تان^۲، روانهٔ اردوی عباس میرزا شد تا در جنگ‌های ایران و روسیه به او خدمت کند. با گرم شدن روابط ایران و فرانسه، فتحعلیشاه، میرزا رضا خان قزوینی را به سفارت خود، نزد ناپلئون فرستاد و او نیز در فین کن اشتاین^۳، به حضور ناپلئون رسید و عهدنامهٔ اتحاد نظامی ایران و فرانسه موسوم به عهدنامه فین کن اشتاین را که در برگرندهٔ یک مقدمه و ۱۶ ماده بود، در ۲۵ صفر ۱۲۲۲ق/ ۴ مه ۱۸۰۷م، با امپراتور منعقد ساخت. بنا بر همین عهدنامه، ناپلئون، سرتیپ گاردان^۴، را در رأس هیأتی به ایران اعزام کرد. این هیأت ۱۷۰ نفری که در شوال ۱۲۲۲ق/ دسامبر ۱۸۰۷م، به همراه میرزا رضاخان وارد تهران شد، مستشاران نظامی، مهندس نقشه بردار، توپچی، پزشک و کارگران فنی و مهندس توپ‌ریزی را در بر گرفته بود. در این میان افسرانی که مأمور تعلیم و تربیت سپاه جدید ایران بودند، در تهران و آذربایجان به کار خود مشغول شدند و گویا در حدود ۳۵ هزار نفر پیاده نظام تربیت کردند که با سواران اردوی عباس میرزا در جنگ‌های قفقازیه شرکت کردند.

۱. Jubert

۲. Bontens

۳. Finken stein

۴. Gardone